



20 جون 2023



داکتر سید عبدالله کاظم

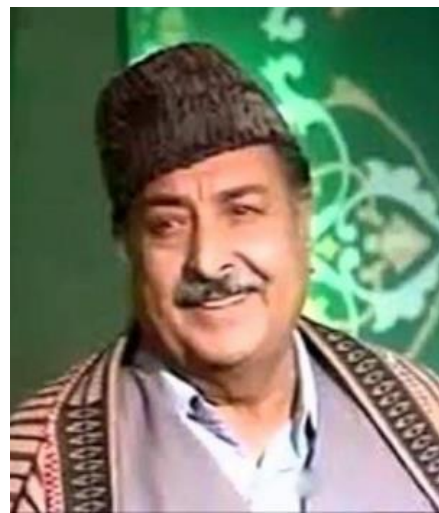
## معرفی استاد محمدحسین سرآهنگ "سرتاج موسیقی"

### در قاموس کبیر افغانستان

یادی از یک بزرگمرد موسیقی کلاسیک که در قاره هند بزرگترین مدالها و القاب پرافتخار را برای افغانستان کمائی کرد و نام خود را در موسیقی کلاسیک همدریف بزرگان و استادان بسیار سرشناس هند جاودانی ساخت. روحش شاد و یادش برای همیشه گرامی باد!

شامگاه 14 قوس 1325ش آواز تازه از دستگاه رادیو کابل قدیم در فضا طنین انداز شد که گرداننده رادیو او را بنام محمد حسین خان معرفی کرد. او پسر استاد غلامحسین خان بود که 29 سال داشت و پس از 16 سال آموزش و ریاضت موسیقی نزد استاد عاشق علی خان، بزرگترین استاد سبک «پتیاله» موسیقی کلاسیک، از هند به وطن برگشته بود. حضور او در رادیوکابل در آنوقت مصادف به زمانی بود که رادیو کابل وسایل ثبت آواز نداشت و برنامه های موسیقی را به شکل زنده (لابف) پخش میکرد.

محمدحسین خان که پسرانها در 1329ش "استاد محمد حسین خان" و بعد در 1332 "استاد محمدحسین سرآهنگ" شد، کارش را با رادیوکابل به همین سلسله آغاز کرد. اما قبل از او آواز خوان های مشهور دیگر از جمله پدرش استاد غلام حسین و استاد قاسم افغان، و از نوازنده ها هریک استاد محمود طبلنواز و استاد معراج الدین مدمنواز با لقب استادی مقتخر بودند، در حالیکه آوازخوان های دیگر همچو کریم شوقی رحیم گل، نتو خان، صابر خان و شیدا تا آنوقت به لقب استادی نایل نشده بودند.



با روایت حمید هامی از قول میر اسماعیل مسرور نجیمی: «شبی در ماه اسد 1325 در گذر قاضی شهاب چنداول، استاد (سرآهنگ) در منزل حاجی گل تابش یکی از شاگردانش برنامه داشت و سرور جويا، نجف علی نیاتی، شایق جمال، باقی قایلزاده، شریف پرونتا، جلیل احمد ابوی ویرجن، عزیز احمد پنهان، محمد افضل رسوا، صالح محمد پرونتا، غلام سرور دهقان، یوسف نظری، علی محمد معلم، آصف آهنگ، داکتر میر علی احمد شامل، حسن جان علاقه دار، و میر اسماعیل نجیمی -راوی آن بزم- نیز حضور داشتند. لقب 'سرآهنگ' گویا همان شب به پیشنهاد باقی قایلزاده و تأیید حلقه ادیبان به استاد پیشکش شد.»

حمید هامی در این رابطه می نویسد که: «پس از چاپ کتاب "جان خرابات" در پیرامون زندگی و هنر استاد سرآهنگ، با سندی برخوردارم که آن را جالب، مستند و در نوع خود، یگانه یافتیم. در اول قوس 1333، مجله پشتون ژغ در مطلبی، اعطای همین لقب را از سوی شهرداری [ریاست بلدیه - شاروالی] کابل خیر داده و نوشته که استاد در سال 1333 خورشیدی به اخذ سه نشان و لقب "سرآهنگی" از سوی شهرداری کابل نایل آمد. دیده می شود که از نقل قول مسرور نجیمی در اسد 1325 خورشیدی تا این سند در رابطه به اعطای لقب "سرآهنگ" یک تفاوت زمانی ۸ ساله وجود دارد. اما در این که لقب "سرآهنگ" پیشنهاد حلقه ادیبان کابل بود، تردیدی وجود ندارد. از سویی، لقب چنان با مسما بود و با هنر و سطح بلند آوازخوانی استاد، همخوانی داشت که به زودی جای نامش را گرفت و همه او را به همین نام شناختند.»

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

در همان شماره «پشتون ژغ» آمده که: محمدحسین تا صنف پنجم را در مکتب "نجات" درس خوانده و پس از آن مدتی نزد پدر خود استاد غلامحسین خان و 16 سال در ریاست پتیاله نزد استاد عاشق علی خان به فراگیری موسیقی پرداخت و از 1320 تا 1322 (1941 تا 1943 میلادی) به حیث منتظم موسیقی افغانستان در رادیو دهلی ایفای وظیفه میکرد. پس از آن بوطن برگشت و به خدمت زیر بیرق (عسکری) شتافت که تا سال 1326 ادامه یافت. در 24 جوزا 1329 لقب استادی گرفت و در 1332 منتظم موسیقی رادیوی کابل شد. در همان سند آمده که او بر 150 راگ مختلف و بر 845 خیال تسلط دارد و گویا در آغاز آوازی زیبایی نداشت، اما «پس از دعای خیر حاجی درویش در حقتش» صدای موثری یافت حاجی محمد اسحاق درویش، از باشندده های بغلان، پیشوای عرفانی بسیاری از شخصیت‌های معروف و سخنور، از جمله شایق جمال و محمد انور بسمل بود. او با استاد غلامحسین خان، پدر استاد سرآهنگ، دوستی و رابطه خانقایی و همناویی در حلقه ذکر و سماع داشت. استاد سرآهنگ در یک مصاحبه خود با مجله ادبی "ژوندون" گفته بود که پیرو طریقت است و باور دارد که درس را باید از «استاد» فرا گرفت، اما سوز و احساس از خانقاه و فقرا می‌آید و او هرچه یافته از برکت خانقاه است.



(اعطای لقب استادی از طرف دولت افغانستان)

با آنکه به محمدحسین در افغانستان ملقب به "استاد" و "سرآهنگ" گردید، اما او از هند نیز القاب بزرگ را به دست آورد که، از جمله یکی هم "سرتاج موسیقی" از کالج الله آباد است. در این رابطه استاد سرآهنگ در مصاحبه با مجله ژوندون میگوید: «مدت چهارماه را در کنفرانس‌های علمی موسیقی در اله آباد، بنارس، جالیندر، دهن، و ناکپور هند سپری کرده، و در بنارس پس از شنیدن پارچه‌های کلاسیک او گفته بودند که: "امروز دریای کابل از گنگا و جمنا استقبال می‌کند". در همان روزها بود که

رئیس کنفرانس علمی موسیقی الله آباد از طرف دانشگاه [پوهنتون] موسیقی آن شهر که حدود 30 هزار هنرآموز داشت، لقب "سرتاج موسیقی" را با یک مدال طلا به قطر ده سانتی متر و ضخامت حدود یک سانتی متر، به استاد سرآهنگ اعطا کرده و گفته بود که تصور می‌کرد پس از مرگ استادانی چون عاشق علی‌خان هنر موسیقی کلاسیک از میان رفته؛ اما با شنیدن استاد سرآهنگ، اعتقاد پیدا کرده که این هنر زنده است.»

در کنفرانسی دیگر به نام "تان‌سین" موسیقیدان عصر جلال‌الدین اکبر، در کلکته بنگال، نشان دولتی بنگال را به او اهدا کرده و از سوی اشتراک کنندگان، لقب افتخاری "ماستر، داکتر و پروفیسور موسیقی" را در لوحی با 12 نشان زمرد کسب کرده است. همچنان او لقب "کوه بلند موسیقی" را از دانشگاه موسیقی چندیگر هند، به دست آورد و لقب "بابای موسیقی مکتب پتیاله" را در سال 1979 در دهلی که روی یک پنتوس (سینی) نقره حک شده بود به او اعطا کردند، زیرا استاد سرآهنگ، آخرین شاگرد زنده استاد عاشق علی خان بود که در آن سال در دهلی برنامه اجرا کرد و از همان رو او را "بابای موسیقی مکتب پتیاله" خواندند.



استاد در 1361 ش (1982م) در پایان آخرین برنامه‌هایش در هند، لقب "شیرموسیقی" را با یک مدال طلا از دانشگاه الله آباد به دست آورد. در جریان همین فستیوال استاد دچار یک حمله قلبی گردید، ولی با آنهم به برنامه را ادامه داد. اما لقبی که استاد برای خودش برگزیده و در درب محل مسکونی خود در کابل نصب کرده "محب الفقرا مسکین سرآهنگ" بود.

پادشاه پیشین افغانستان اعلیحضرت محمدظاهر شاه به هنر استاد سرآهنگ ارج فراوان می‌گذاشت و از همان

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

رو پیوسته مورد احترامش قرار می‌داد. می‌گویند در نشست‌های موسیقی در ارگ کابل، رسم چنان بود که شاه به عنوان آخرین فرد به سالن داخل می‌شد و هنرمندان و مهمانان همه از جا بر می‌خاستند؛ اما استاد سرآهنگ همیشه در حالت نشسته از زانوی خود می‌گرفت تا بلند شود، و شاه که از استعنای او آگاه بود با اشاره می‌فهماند که بلند نشود و می‌گفت: «استاد خودت تکلیف زانو داری، زحمت نکش!»

استاد سرآهنگ، همان گونه که 16 سال را در آموختن موسیقی سپری کرد، پس از بازگشت از هند، 16 سال دیگر را نزد عبدالحمید اسپر، مشهور به "قندی آغا" به مطالعه بیدل وقف کرد و چنان تسلطی بر مکتب هندی در شعر حاصل کرد که او را یکی از بیدل‌شناسان کابل دانسته و گاه به عنوان استاد مهمان به بحث در مورد بیدل به پوهنتون کابل دعوت می‌کردند.

حمید حامی می‌نویسد: «با آن که استاد به "نغمه‌سرای بیدل" شهرت داشت و تصور می‌شد که فقط غزلیات بیدل را سروده و معرف سبک هندی و شعر کلاسیک در موسیقی میبانشد، اما واقعیت چنان است که او از شاعران کلاسیک تا معاصر، همه را مطالعه کرده و اشعاری از حافظ، مولانا، سعدی، بیدل، واقف، صایب، کلیم کاشانی، امیرخسرو، هلالی چغتایی، رهی معیری، استاد خلیلی، ضیا قاریزاده، شایق جمال، صوفی عشق‌ری و دیگران را نیز در قالب آهنگ خوانده است.»

استاد سرآهنگ، از محلی تا راگ‌های پیچیده کلاسیک، در هر قالبی آهنگ سرود و بر همه انواع تسلط داشت. نه تنها کمپوز (آهنگ) ساخت، بلکه بندش‌هایی را در راگ‌های کلاسیک ایجاد کرد و حتا ایجادگر دو راگ (گام) به نام‌های "هزره" و "مینامنی" نیز شناخته می‌شود که راگ "هزره" را به اساس موسیقی هزاره‌های افغانستان ایجاد کرد. به همین گونه، او را نخستین کسی می‌دانند که قوالی‌سرایی را در رادیوی افغانستان مروج ساخت و نیز نخستین آهنگ مرثیه یا سوگ سرود را از رادیو پخش کرد که آن هم با شعری از خودش به مناسبت حادثه تصادم موتر و مرگ استاد شیدا بود. با آن که بسیاری از پارچه‌های او در نخستین سال‌های آوازخوانی در رادیو به علت ابتدایی بودن سیستم پخش و نشر، ضبط نشده اما تعداد پارچه‌هایش در کتاب ثبت آرشیف رادیوی کابل به حدود 400 پارچه می‌رسد.

استاد سرآهنگ به منظور ترویج بیشتر موسیقی کلاسیک، کتاب "قانون طرب" را نوشت که بار اول به سال 1349 به شکل مقاله‌های دنباله‌دار در مجله «پشتون ژغ» به چاپ رسید. از استاد رساله‌ای هم با عنوان "موسیقی راگ‌ها" به جا مانده که تا هنوز به چاپ نرسیده است.

به قول حمید هامی: «استاد سرآهنگ، شاگردانی داشت که بسیاری شان سرآمد آوازخوانان و نوازنده‌های افغانستان شدند. معروف‌ترین شاگردان او استاد الطاف حسین سرآهنگ، پسرش، استاد عبدالمحمد هماهنگ، استاد شریف غزل، احمد ولی، نعیم نظری، شریف پرونتا، امانی، سخی احمد حاتم و الفت آهنگ هستند. از هندوها و سیک‌های افغانستان، پوکرداس، لعلوچند، کرتار سینگ، و اوتار سینگ، شاگردان استاد بودند، استاد سرآهنگ در مصاحبه‌ای از شاگردش شیودیو رای، در هند نیز یاد کرده که در یکی از پوهنتون‌های هند به تدریس موسیقی می‌پردازد... در میان نوازنده‌های معروف، استاد مجید سپند، ستارنواز، استاد فقیر حسن سارنگ و ویولن نواز، استاد سرور، هارمونی نواز، استاد سلیم قندهاری، سنتور نواز و استاد غلام فرید، کلارنت نواز، کسانی اند که باریکی‌ها و ظرافت‌های راگ‌های کلاسیک را از استاد سرآهنگ آموختند.»

با آنکه بعضی‌ها سال تولد استاد را 1302 نوشته‌اند، اما خودش در مقدمه کتاب "قانون طرب" می‌نگارد که: به سال 1296 ش در گذر خواجه خوردک کابل در خانواده استاد غلام حسین خان، به دنیا آمد. استاد سرآهنگ، به دنبال بیماری قلبی، در 16 جوزا در سال 1361 در بیمارستان ابن سینای کابل درگذشت و به اساس وصیت خودش، پس از طواف در خرابات کابل، در گورستان شهدای صالحین کابل به خاک سپرده شد.

(در این نوشته از محتوای مقاله مبسوط محترم حمید هامی تحت عنوان: "چهار دهه پس از محمد حسین سرآهنگ "نغمه‌سرای بیدل" که "سرتاج موسیقی" افغانستان شد"، منتشره: بی بی سی فارسی/دری، مورخ 12 جون 2023 (21 جوزای 1402) استفاده شده است)